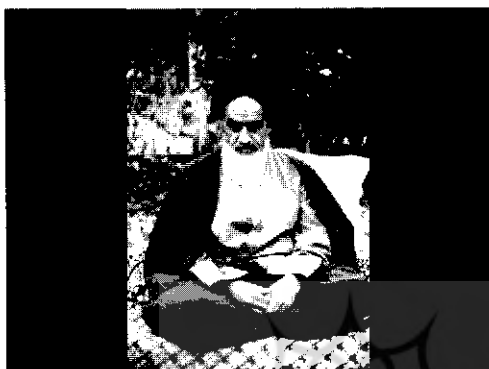


# الهام از قرآن در آثار ادبی حضرت امام خمینی (ره)

استاد علیرضا لطفی



## \* قرآن در اندیشه های ادبی حضرت امام خمینی (ره) \* \* چکیده:

امام خمینی (ره) احیاگر قرآن کریم در جمیع ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی بود و این احیاء گری را به شکل مختلف به ظهور رساند، از جمله آن اشکال زبان شعر بود. آن بزرگوار معتقد بود که (لسان شعر، بالاترین لسان هاست) (۱) شعر حضرت امام مویه ی روحگداز بشر از درد دیرین فراق، هبوط است و، ششقه انسان تبعیدی در هول و حیرت ظلمات طبیعت و سنگینی امانت و رسالت مندی انبیاء برای دستگیری انسان و شوق وصال.

سروده های حضرت امام سرشار است از مطالب و مضامین قرآنی. نگارنده بر آن است تا به یاد ایام خاموشی آن شمس فروزان - مجاهد و عارف وارسته ی دوران با تدبیر در غزلیات و رباعیات آن عزیز؛ عنایت او را به قرآن کریم، مطرح سازد و علاقمندان به ساحت حضرتش و هنرمندان ادیب را به سر این خوان میهمان نماید.

آری که او همواره از زلال وحی سرمست و غزلخوان می شد در غزلیات و رباعیاتش رویکرد ویژه ای به برخی آیات نموده است و ما در این مقاله به تفکیک ابیات متناسب با آیات قرآنی پرداخته ایم..

### \* کلیدواژه:

اشاره ای به عهدالست و قصه ی حضرت آدم علیه السلام؛ قصه ی حضرت ابراهیم علیه السلام؛ قصه ی حضرت موسی علیه السلام؛ قصه ی حضرت یوسف علیه السلام.

### \* اشاره ای به عهدالست و قصه ی حضرت آدم علیه السلام:

خداوند در قرآن کریم فرموده: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» و ای رسول ما به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم همه گفتند (بلی ما بخدائی تو گواهی می دهیم) (۲)

حضرت امام با عنایت به ماجرای [عهدالست] موضوع را از آیه فوق الهام گرفته و در اشعار خود بدان پرداخته اند:

دل درویش به دست آور که از سرّ الست

پرده برداشته آگاه ز تقدیرم کرد (۳)

و یا در یک رباعی دیگر [سر پنهان الست] را در فنا و نیستی مقابل حضرت حق بیان می دارند.

هشیاری من بگیر و مستم بنما  
سرمست زباده الستم بنما

بر نیستم فزون کن از راه کرم  
در دیده ی فود هر آنچه هستم بنما (۴)

همچنین در قرآن آمده است:

«أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

مِنهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان پذیرفت و بسیاری از آنها در امانت به راه جهل و عصیان رفتند. (۵)

امام با الهام از این آیه چنین سروده اند:



۲. سوره ی اعراف/ ۱۷۲.

۳. دیوان امام / مجموعه اشعار /

ص ۸۲ / نشر عروج / ص ۷۸.

۴. دیوان امام / مجموعه اشعار /

ص ۱۹۲ / نشر عروج / ص ۱۸۶.

۵. سوره ی احزاب/ ۲۲.

عارفان رخ تو جمله ظلمند و جهول  
این ظلومی و جهولی، سر و سودای من است  
عالم و جاهل و، زاهد همه شیدای تو اند  
این نه تنها رقم سرّ سویدای من است (۶)  
و چنین سروده اند:

آنکه بشکست همه قید، ظلوم است و جهول  
و آنکه از فویش و همه کون و مکان غافل بودند  
عاشق از شوق، به دریای فنا غوطه ور است  
بی خبر آنکه به ظلمت‌کده ی شامل بود (۷)

آیات ذیل الذکرتیین گر بخشی از قصه ی حضرت آدم علیه السلام می باشد.  
۱- فَأَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ  
پس شیطان آدم و حوا را بلغزش افکند و از آن درخت خوردند و بدین عصیان  
هر دو از بهشت بیرون و گفتیم به آدم و حوا فرود آیدند از بهشت ... (۸)  
امام با الهام از این آیه ماجرای فریب کاری شیطان و خروج حضرت  
آدم و حوا از بهشت را چنین ترسیم می نماید.

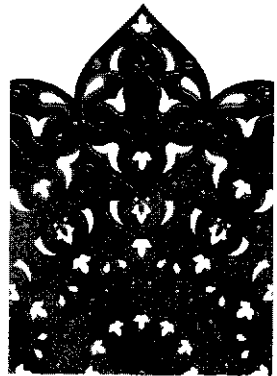
زاده ی اسماء را با جنّه المأوی چه کاری  
در چه فردوس می ماند، اگر شیطان نبود (۹)

و همچنین سروده اند:

فواست شیطان بد کند با من، ولی امسان نمود  
از بهشتم برد بیرون، بسته ی بانان نمود  
فواست از فردوس بیرونم کند، فوارم کند  
عشق پیدا گشت و از ملک و ملک پرآن نمود (۱۰)

۲- «فَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (۱۱)  
پس آدم علیه السلام از خدای خود کلماتی آموخت و آن کلمات سبب پذیرفتن  
توبه او گردید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.  
و امام با توجه به این آیه چنین سروده اند:

پریشان مالی و در ماندگی ما نمی دانی  
فطا کاری ما را فاش، بی پروا نمی دانی  
ز جا بر فیز و، بشکن این قفس، بگشای غلها را  
تو منزلگاه آدم علیه السلام را واره (لا) نمی دانی (۱۲)



- ۶ دیوان امام / نشر عروج / ص ۵۵.  
۷ دیوان امام / نشر عروج / ص ۹۸.  
۸ سوره ی بقره / ص ۳۵.  
۹ دیوان امام / مجموعه اشعار /  
ص ۱۸۰ / نشر عروج / ص ۱۷۴.  
۱۰ دیوان امام / مجموعه اشعار /  
ص ۱۱۵ / نشر عروج / ص ۱۰۹.  
۱۱ سوره ی بقره / ص ۳۶.  
۱۲ دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۷۶

۳- «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ»

و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم فرمود و آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود خبر دهید من را به اسماء (۱۳) امام با الهام از این آیه سروده اند:

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند

قصه ی (عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ) به (بان است هنوز) (۱۴)

و همچنین سروده اند:

گر تو آدم زاده هستی (عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ) چه شد

(قاب قوسینت) کجا رفته است، (او ادنی) چه شد (۱۵)

در این بیت امام اشاره به آیه (فكان قاب قوسين او ادني) (۱۶) نموده و بر غنای شعر خود افزوده اند.

### \* قصه حضرت ابراهیم عليه السلام:

حضرت ابراهیم عليه السلام با براهین و حجت های زیبا و حدانیت حضرت حق تبارک و تعالی را اثبات و با برنامه اصولی به طاغوت شکنی و بت شکنی پرداخت و امام خمینی که برنامه بت شکنی را از حضرت ابراهیم خلیل ال عليه السلام به خوبی فرا گرفته بود به اجرای آن پرداخت و در اشعارش نهضت توحیدی حضرت ابراهیم عليه السلام را مورد توجه قرار داده است.

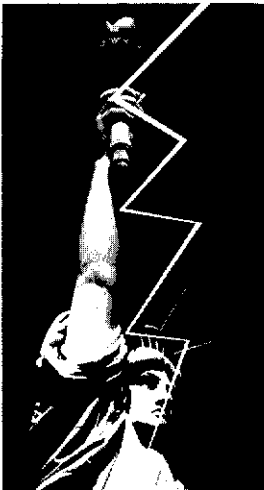
در قرآن کریم آمده است: «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ...»

پس چون ماه تابان را دید باز برای هدایت قوم گفت این خدای من است وقتی آنهم نابود شد گفت من چیزی که نابود شود بخدائی نخواهم گرفت و اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا من از گمراهان خواهم بود. (۱۷)

«فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي لَا كُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»

پس چون خورشید درخشان را دید گفت این است خدای من که از ماه و ستاره روشن تر است پس چون نابود گردید گفت ای گروه مشرکان من از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید بیزارم. (۱۸)

و امام با الهام از احتجاجات حضرت ابراهیم عليه السلام مذکور در آیات چنین سروده اند.



۱۲. سوره بقره/۳۱.

۱۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۲۷ / نشر عروج / ص ۱۳۱.

۱۵. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۹۴ / نشر عروج / ص ۸۸.

۱۶. سوره ی نجم/۸.

۱۷. سوره ی انعام/۷۷.

۱۸. سوره ی انعام/۸۸.

زد فیل عالم چون شمس و قمر را به کنار  
جلوه دوست نباشد چه من و آفل من (۱۹)

و چون نمودیان در برابر منطق توحیدی حضرت ابراهیم علیه السلام  
محکوم شدند، آتشی به پا کردند تا ابراهیم خلیل را در  
آتش بسوزانند.

قرآن کریم می فرماید: «قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم»  
و ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم بر ابراهیم شو. (۲۰)  
و امام چنین سروده اند:

ساقی از جام جهان تاب به جان عاشق  
آنچه با جان فلیل آتش نمرود نمود (۲۱)

و همچنین سروده اند:

آتشی را که ز عشقش به دل و جانم زد  
جانم از فویش گذر کرد و فلیل آسا شد (۲۲)

### \* قصه حضرت موسی علیه السلام:

از دیگر موضوعات قرآنی که در اشعار حضرت امام (ره) مطرح  
شده - داستان هائی است که در قرآن پیراموت شخصیت حضرت  
موسی علیه السلام می باشد.

### \* الف) داستان تجلی رب در کوه طور:

قرآن کریم با ذکر داستان تجلی رب در کوه طور پیامبر خود را نسلی  
داده است.

«ولما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربّه قال رب انظر الیک قال لن ترانی ولكن

انظر الی الجبل...» (۲۳)

و امام با الهام از این آیه چنین سروده اند:

جلوه کن در جبل قلب من ای یار عزیز

تا چه موسی بشنود زنده دل غافل من (۲۱)

طور سینا را به آسم صحرای آفر رسید

موسی مق در پی فرعون باطل آمده (۲۵)

غمزده ات در جان عاشق بر فرود آتشی

آنچنان کز جلوه ای با موسی عمران نمود (۲۶)



۱۹. دیوان امام / مجموعه اشعار /  
ص ۱۷۴ / نشر عروج / ص ۱۶۸.  
۲۰. سوره ی انعام / ص ۶۹.  
۲۱. دیوان امام / مجموعه اشعار /  
ص ۱۱۵ / نشر عروج / ص ۱۰۸.  
۲۲. دیوان امام / مجموعه اشعار /  
ص ۸۸ / نشر عروج / ص ۸۲.  
۲۳. سوره ی اعراف / ص ۱۴۳.  
۲۴. دیوان امام مجموعه اشعار / ص ۱۷۴.  
۲۵. همان / ص ۱۷۸.  
۲۶. همان / ص ۱۱۵.

و یا در رباعی دیگر به متلاشی شدن کوه و بیهوش شدن حضرت موسی علیه السلام اشاره دارند.

تا جلوه‌ی او جمال را دک نکند

تا صعق تو را ز فویش مندی نکند

پیوسته قطاب (لن ترانی) شنوی

فانی شو تا فود از تو منفک نکند (۲۷)

در بیتی دیگر سروده اند:

دک کن جبل فودی فود چون موسی

تا جلوه کند جمال او بی (ارنی) (۲۸)

### \* (ب) وادی ایمن و آتش طور:

وادی ایمن و آتش طور نیز از جمله موضوعاتی است که در اشعار حضرت امام اینچنین آمده است.

«فلما ایها نودی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان

یا موسی انی انا الله رب العالمین» (۲۹)

ایمنی نیست در این وادی ایمن ما را

من در این وادی ایمن شجر می جویم (۳۰)

موسی اگر ندید بشاف شجر (رفش

بی شک درفت معرفتش را ثمر نبود) (۳۱)

اعتقاد امام بر آن است که جلوه حضرت حق را چون موسی در کوه طور می توان نگریست و پوشیدگی مستوری جمال حق از جانب ماست و اگر دیده حق بین باشد همه جا مانند کوه طور خداوند تجلی می کند.

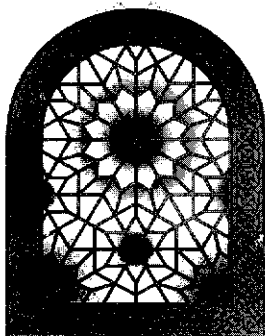
عیب از ماست اگر دوست ز ما مستور است

دیده بگشای که بینی همه عالم طور است (۳۲)

### \* قصه حضرت یوسف علیه السلام:

داستان حضرت یوسف علیه السلام با عنایت به جزایبیت های آن مورد توجه بسیاری از شعرا قرار گرفته است. حضرت امام خمینی (ره) نیز ابیاتی در این مورد سروده اند.

در قرآن کریم آمده است:



۲۷. همان / ص ۲۱۰.

۲۸. همان / ص ۲۴۶.

۲۹. سوره ی قصص / ص ۳۰.

۳۰. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۶۹.

۳۱. همان / ص ۱۰۷.

۳۲. همان / ص ۵۲.



«فلما ذهبوا به واجمعوا ان يجعلوه في غيابة الجب» (۳۳)

همین که او را به صحرا بردند بر این عزم متفق شدند که حضرت یوسف علیه السلام را به چاه در افکنند. و امام در این ارتباط سروده اند:

یوسف از چاه بیرون آی تا شاهی نمائی  
گر چه از این چاه بیرون آمدن آسان نبود (۳۴)

در قرآن کریم آمده است:

«اذ قال يوسف لایه يا ابت آتی رایت احد عشر کوکبا و الشمس

والقمر رایتهم لی ساجدین» (۳۵)

و امام چنین سروده اند:

یوسفی باید که در داه زلیفا دل نبازد  
ورنه فورشید و کواکب در برش مفتون نداند (۳۶)

در قرآن کریم آمده است:

«و اودته الی هوی بیئتها عن نفسه و غلقت الابواب» (۳۷)

این آیه نیز با همان سروده فوق مرتبط است.

در قرآن کریم آمده است:

«ولما فصلت العیر قال ابوهم آتی لاجد ریح یوسف لولان تقندون» (۳۸)

حضرت امام همچون بسیاری از شعرای فارسی زبان از ماجرای بوی پیراهن یوسف بهره گرفته اند و اینچنین سروده اند:

یوسفم گز نزد بر سر بالینم سر

همچون یعقوب دل آشفته ی بویش باشم (۳۹)

امید است این مختصر مورد توجه قرآن پژوهان در وادی شعر و ادب و دستداران حضرت امام قرار گیرد.

۳۳. سوره ی یوسف / ۱۵.  
۳۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۸۰  
۳۵. سوره ی یوسف / ۴.  
۳۶. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۶۸  
۳۷. سوره ی یوسف / ۲۳.  
۳۸. سوره ی یوسف / ۹۴.  
۳۹. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۵۳